

به نام خدا

طراحی آموزش شخصی سازی شده برای همه دانش آموزان

مؤلفان :

سکینه صفدری نژاد

حبیب کبیری سامانی

صدیقه رحیمی سامانی

تهمینه مدملیل

انتشارات ارسطو

(سازمان چاپ و نشر ایران - ۱۴۰۵)

نسخه الکترونیکی این اثر در سایت سازمان چاپ و نشر ایران و اپلیکیشن کتاب رسان موجود می باشد

Chaponashr.ir



سرشناسه : صفدری نژاد ، سکینه ، ۱۳۶۸
عنوان و نام پدیدآورندگان: طراحی آموزش شخصی سازی شده برای همه دانش آموزان / مولفان: سکینه صفدری نژاد ، حبیب کبیری سامانی ، صدیقه رحیمی سامانی ، تهمنه مدملیل
مشخصات نشر : انتشارات ارسطو (سازمان چاپ و نشر ایران)، ۱۴۰۵.
مشخصات ظاهری : ۱۰۶ ص.
شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۱۲۹-۴۵۳-۴
شناسه افزوده : کبیری سامانی ، حبیب ، ۱۳۵۷
شناسه افزوده : رحیمی سامانی ، صدیقه ، ۱۳۵۵
شناسه افزوده : مدملیل ، تهمنه ، ۱۳۶۳
وضعیت فهرست نویسی : فیفا
یادداشت : کتابنامه.
موضوع : طراحی آموزش شخصی سازی شده - دانش آموزان
رده بندی کنگره : TP ۹۸۳
رده بندی دیویی : ۶۶۸/۵۵
شماره کتابشناسی ملی : ۸۹۶۵۲۱۴۵
اطلاعات رکورد کتابشناسی : فیفا

نام کتاب : طراحی آموزش شخصی سازی شده برای همه دانش آموزان
مولفان: سکینه صفدری نژاد- حبیب کبیری سامانی - صدیقه رحیمی سامانی - تهمنه مدملیل
ناشر : انتشارات ارسطو (سازمان چاپ و نشر ایران)
صفحه آرای، تنظیم و طرح جلد: الهام غفاری
تیراژ: ۱۰۰۰ جلد
نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۵
چاپ : زیرجدا
قیمت : ۱۸۰۰۰۰ تومان
فروش نسخه الکترونیکی - کتاب رسان :
<https://chaponashr.ir/ketabresan>
شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۱۲۹-۴۵۳-۴
تلفن مرکز پخش : ۰۹۱۲۰۲۳۹۲۵۵
www.chaponashr.ir



فهرست

مقدمه	۵
فصل اول: مبانی نظری و چارچوب‌های طراحی آموزش شخصی‌سازی شده	۹
مفهوم، فلسفه و تکامل آموزش شخصی‌سازی شده :	۱۲
نظریه‌های یادگیری مؤثر در طراحی آموزش شخصی‌سازی شده :	۱۷
اصول طراحی یادگیری متناسب با تفاوت‌های فردی :	۲۱
نقش داده‌ها و شواهد در طراحی مسیرهای یادگیری :	۲۷
فصل دوم: طراحی و اجرای نظام آموزش شخصی‌سازی شده	۳۱
تحلیل ویژگی‌ها، نیازها و سبک‌های یادگیری دانش‌آموزان :	۳۵
طراحی اهداف، محتوا و فعالیت‌های یادگیری شخصی‌سازی شده :	۳۹
به‌کارگیری فناوری‌های آموزشی و هوش مصنوعی در شخصی‌سازی آموزش :	۴۳
مدیریت کلاس و سازماندهی محیط‌های یادگیری انعطاف‌پذیر :	۴۶
فصل سوم: راهبردها و الگوهای تخصصی آموزش شخصی‌سازی شده	۵۵
طراحی مسیرهای یادگیری تطبیقی برای گروه‌های متنوع دانش‌آموزی :	۵۹
راهبردهای تدریس مبتنی بر شایستگی و پیشرفت فردی :	۶۳
بازخورد مستمر، هدایت یادگیری و توانمندسازی فراگیران :	۶۷
طراحی مداخلات آموزشی برای دانش‌آموزان با نیازهای آموزشی متفاوت :	۷۰

فصل چهارم: ارزشیابی، بهبود و آینده آموزش شخصی سازی شده	۷۹
طراحی نظام ارزشیابی تکوینی و پایانی در آموزش شخصی سازی شده :	۸۴
تحلیل داده های یادگیری و بهبود مستمر فرایند آموزش :	۹۰
چالش های اجرایی، اخلاقی و مدیریتی آموزش شخصی سازی شده :	۹۳
روندهای نوظهور و آینده پژوهی در طراحی آموزش شخصی سازی شده :	۹۶
نتیجه گیری :	۹۹
منابع	۱۰۳

مقدمه

تحولات شتابان قرن بیست و یکم، نظام‌های آموزشی را با ضرورت بازاندیشی در فلسفه، اهداف، روش‌ها و الگوهای طراحی آموزش مواجه ساخته است. در این میان، آموزش شخصی‌سازی شده به عنوان یکی از مهم‌ترین رویکردهای نوین، تلاش می‌کند با در نظر گرفتن تفاوت‌های فردی، نیازها، علایق، توانایی‌ها، پیش‌دانسته‌ها، سبک‌های یادگیری و سرعت پیشرفت هر دانش‌آموز، تجربه‌ای اثربخش، عادلانه و معنادار از یادگیری فراهم آورد. این رویکرد، آموزش را از یک الگوی یکسان برای همه، به فرایندی پویا، انعطاف‌پذیر و متناسب با ویژگی‌های هر فراگیر تبدیل می‌کند. در سال‌های اخیر، پژوهش‌های متعدد نشان داده‌اند که تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان نه یک استثنا، بلکه یک اصل بنیادین در فرایند یادگیری است. هر دانش‌آموز با پیشینه فرهنگی، اجتماعی، شناختی، هیجانی و انگیزشی متفاوت وارد محیط آموزشی می‌شود و همین تفاوت‌ها موجب می‌شود که یک شیوه تدریس واحد نتواند پاسخگوی نیازهای تمامی فراگیران باشد. از این‌رو، طراحی آموزش شخصی‌سازی شده به عنوان راهبردی علمی برای پاسخگویی به این تنوع، جایگاه ویژه‌ای در نظام‌های آموزشی پیشرو یافته است.

آموزش شخصی‌سازی شده صرفاً به معنای استفاده از فناوری‌های نوین یا تولید محتوای دیجیتال نیست، بلکه رویکردی جامع در طراحی آموزشی است که تمامی مؤلفه‌های یادگیری، از نیازسنجی و تعیین اهداف گرفته تا انتخاب محتوا، طراحی فعالیت‌های یادگیری، روش‌های تدریس، ارزشیابی و بازخورد را در بر می‌گیرد. در این رویکرد، دانش‌آموز به عنوان محور اصلی فرایند یادگیری شناخته می‌شود و معلم نقش طراح، تسهیل‌گر، راهنما و هدایت‌کننده مسیر یادگیری را بر عهده دارد. پیشرفت فناوری‌های دیجیتال، هوش مصنوعی، تحلیل داده‌های آموزشی، سامانه‌های مدیریت یادگیری و ابزارهای یادگیری تطبیقی، فرصت‌های بی‌سابقه‌ای را برای تحقق آموزش

شخصی سازی شده فراهم کرده است. این فناوری ها امکان شناسایی دقیق نیازهای آموزشی، تحلیل عملکرد دانش آموزان، ارائه بازخورد فوری، طراحی مسیرهای یادگیری متنوع و پشتیبانی مستمر از فرایند آموزش را فراهم می کنند. با این حال، موفقیت آموزش شخصی سازی شده تنها به فناوری وابسته نیست، بلکه مستلزم طراحی آموزشی علمی، شناخت دقیق ویژگی های یادگیرندگان و برخورداری معلمان از شایستگی های حرفه ای لازم است.

یکی از مهم ترین چالش های نظام های آموزشی سنتی، تأکید بر برنامه های درسی یکنواخت و روش های تدریس یکسان برای همه دانش آموزان است. این رویکرد، اگرچه مدیریت کلاس را ساده تر می سازد، اما در بسیاری از موارد نمی تواند پاسخگوی نیازهای دانش آموزان با توانایی ها، علایق و سرعت های متفاوت یادگیری باشد. نتیجه چنین شرایطی، کاهش انگیزه، افت تحصیلی، احساس ناکامی در برخی فراگیران و عدم شکوفایی استعداد های بالقوه آنان است.

طراحی آموزش شخصی سازی شده با ایجاد انعطاف در اهداف، محتوا، فعالیت ها، منابع، زمان بندی و شیوه های ارزشیابی، امکان مشارکت فعال تمامی دانش آموزان را در فرایند یادگیری فراهم می آورد. در این الگو، هر دانش آموز فرصت می یابد متناسب با توانایی ها و نیازهای خود مسیر یادگیری را طی کند و در عین حال به استانداردهای آموزشی مورد انتظار نیز دست یابد. یکی از اصول اساسی آموزش شخصی سازی شده، توجه هم زمان به کیفیت، عدالت و اثربخشی آموزشی است. عدالت آموزشی تنها به معنای ارائه امکانات یکسان به همه دانش آموزان نیست، بلکه مستلزم فراهم کردن فرصت های یادگیری متناسب با شرایط، نیازها و ظرفیت های هر فرد است. از این منظر، شخصی سازی آموزش می تواند نقش مهمی در کاهش شکاف های آموزشی، افزایش مشارکت یادگیرندگان و ارتقای کیفیت یادگیری ایفا کند.

این کتاب با هدف تبیین مبانی نظری، ارائه چارچوب‌های طراحی، معرفی الگوهای کاربردی و بررسی راهبردهای اجرایی آموزش شخصی‌سازی‌شده تدوین شده است. تلاش شده است تا مفاهیم نظری با یافته‌های پژوهشی و تجربه‌های عملی پیوند یابند و مجموعه‌ای منسجم برای پژوهشگران، دانشجویان، معلمان، مدیران آموزشی، برنامه‌ریزان درسی و سایر علاقه‌مندان فراهم شود.

در فصل‌های مختلف کتاب، مباحثی همچون مبانی نظری آموزش شخصی‌سازی‌شده، اصول طراحی آموزشی، تحلیل ویژگی‌های یادگیرندگان، طراحی مسیرهای یادگیری، بهره‌گیری از فناوری‌های نوین، نقش هوش مصنوعی، مدیریت کلاس‌های شخصی‌سازی‌شده، ارزشیابی یادگیری، تحلیل داده‌های آموزشی، چالش‌های اجرایی و روندهای آینده این حوزه مورد بررسی قرار گرفته است. همچنین تلاش شده است با ارائه چارچوب‌های علمی و راهکارهای عملی، زمینه بهره‌گیری مؤثر از این رویکرد در محیط‌های آموزشی مختلف فراهم شود. امید است این اثر بتواند گامی در جهت توسعه دانش طراحی آموزش شخصی‌سازی‌شده، ارتقای کیفیت یادگیری، توانمندسازی معلمان و تحقق آموزش فراگیر، منعطف و یادگیرنده‌محور باشد و زمینه‌ساز پژوهش‌های نوآورانه و کاربرد گسترده‌تر این رویکرد در نظام‌های آموزشی شود.

فصل اول

مبانی نظری و چارچوب‌های طراحی آموزش

شخصی‌سازی شده

طراحی آموزش شخصی سازی شده بر این اندیشه استوار است که یادگیری فرایندی یکنواخت و یکسان برای همه فراگیران نیست و هر دانش آموز با مجموعه ای از ویژگی های شناختی عاطفی اجتماعی فرهنگی و انگیزشی وارد محیط آموزشی می شود. این تفاوت ها نه مانعی در مسیر آموزش بلکه سرمایه ای ارزشمند برای غنی سازی فرایند یادگیری به شمار می رود. بر همین اساس طراحی آموزشی زمانی به کارآمدی مطلوب دست می یابد که بتواند میان ظرفیت های فردی و اهداف آموزشی پیوندی منطقی و هدفمند برقرار کند. در چنین نگرشی موفقیت آموزشی تنها بر پایه انتقال محتوا سنجیده نمی شود بلکه میزان رشد توانایی های هر دانش آموز نسبت به نقطه آغاز یادگیری معیار اصلی ارزیابی قرار می گیرد. از این رو طراحی آموزش از قالب های ثابت فاصله می گیرد و به سوی الگویی انعطاف پذیر حرکت می کند که امکان پاسخگویی به نیازهای متنوع فراگیران را فراهم سازد. پایه نظری این رویکرد بر شناخت ماهیت یادگیری انسان استوار است. یادگیری نتیجه تعامل مستمر میان تجربه اندیشه احساس انگیزه و محیط پیرامون است و هر یک از این عوامل می تواند مسیر رشد فرد را دگرگون سازد. اگر طراحی آموزشی تنها بر انتقال اطلاعات متمرکز شود بخش بزرگی از ظرفیت های یادگیری نادیده گرفته خواهد شد. زمانی که آموزش با تجربه های پیشین دانش آموز ارتباط پیدا کند و فرصت

کشف تحلیل و کاربرد دانش را فراهم آورد یادگیری از سطح حفظ مطالب فراتر می رود و به درک عمیق مفاهیم منتهی می شود. چنین رویکردی یادگیرنده را از دریافت کننده منفعل به مشارکت کننده فعال در ساخت دانش تبدیل می کند و زمینه رشد پایدار توانایی های ذهنی را فراهم می سازد.

یکی از مبانی مهم این رویکرد پذیرش اصل تفاوت های فردی است. هیچ دو دانش آموزی از نظر سرعت یادگیری شیوه اندیشیدن میزان تمرکز علاقه های تحصیلی پیشینه خانوادگی و تجربه های زیسته کاملاً مشابه نیستند. وجود این تفاوت ها ایجاب می کند که طراحی آموزشی از الگوهای یکسان فاصله بگیرد و مسیرهای گوناگونی برای دستیابی به اهداف مشترک فراهم آورد. در چنین شرایطی برنامه آموزشی نه بر پایه میانگین عملکرد کلاس بلکه بر اساس شناخت دقیق ویژگی های هر دانش آموز سازماندهی می شود. این نگاه زمینه افزایش مشارکت یادگیرندگان کاهش احساس ناتوانی و تقویت اعتماد به توانایی های فردی را فراهم می سازد و کیفیت یادگیری را در سطحی عمیق تر ارتقا می دهد. تبیین چارچوب نظری طراحی آموزش شخصی سازی شده مستلزم آن است که فرایند یادگیری به عنوان یک نظام پویا و در حال تحول مورد توجه قرار گیرد. در این نظام هر تصمیم آموزشی بر پایه مجموعه ای از داده های معتبر درباره وضعیت یادگیرنده اتخاذ می شود و هیچ عنصر آموزشی به صورت مستقل از سایر اجزا معنا پیدا نمی کند. تعیین هدف انتخاب محتوا طراحی فعالیت شیوه ارائه منابع یادگیری روش ارزشیابی و نوع بازخورد در ارتباطی منسجم با یکدیگر قرار دارند و هرگونه تغییر در یکی از این اجزا بر عملکرد سایر بخش ها اثر می گذارد. از این دیدگاه طراحی آموزشی مجموعه ای از تصمیم های پیوسته است که با هدف ایجاد بیشترین تناسب میان ویژگی های یادگیرنده و فرصت های یادگیری سامان می یابد. در چارچوب آموزش شخصی سازی شده مفهوم آمادگی یادگیری جایگاهی بنیادی دارد. آمادگی تنها به دانش پیشین محدود نمی شود بلکه سطح رشد ذهنی ظرفیت

حل مسئله مهارت های ارتباطی پایداری توجه خودتنظیمی انگیزش درونی و شرایط محیطی را نیز در بر می گیرد. طراحی آموزشی زمانی اثربخش خواهد بود که بتواند تصویری دقیق از این ابعاد ترسیم کند و بر اساس آن مسیر یادگیری را سازمان دهد. بی توجهی به آمادگی واقعی دانش آموز موجب می شود فعالیت های آموزشی یا فراتر از توان او قرار گیرد یا چنان ساده باشد که فرصت رشد را از میان ببرد. در نتیجه تناسب میان سطح دشواری تکالیف و ظرفیت واقعی یادگیرنده یکی از مهم ترین معیارهای کیفیت طراحی آموزشی به شمار می رود. از منظر نظری دانش پدیده ای ایستا نیست بلکه در جریان تعامل میان تجربه اندیشه و بازاندیشی شکل می گیرد. بر همین اساس طراحی آموزش شخصی سازی شده محیطی را ایجاد می کند که دانش آموز بتواند مفاهیم را در موقعیت های گوناگون بررسی کند میان آموخته های گذشته و تجربه های تازه ارتباط برقرار سازد و از طریق تحلیل و استدلال به بازسازی دانش خود بپردازد. در چنین فضایی نقش معلم از انتقال مستقیم اطلاعات به هدایت فرایند اندیشیدن تغییر می یابد و کلاس درس به محیطی برای گفت و گو کاوش و تولید معنا تبدیل می شود. پیامد این تحول افزایش عمق یادگیری و پایداری دانش در حافظه بلندمدت خواهد بود.

یکی دیگر از ارکان نظری این رویکرد توجه به اصل انعطاف در طراحی آموزشی است. انعطاف به معنای حذف نظم یا کاهش استانداردهای آموزشی نیست بلکه به مفهوم ایجاد مسیرهای متفاوت برای دستیابی به اهداف مشترک است. دانش آموزان ممکن است برای فهم یک مفهوم علمی به فعالیت های متفاوتی نیاز داشته باشند یا از راه های گوناگون توانایی خود را نشان دهند. طراحی آموزش شخصی سازی شده این تنوع را به رسمیت می شناسد و امکان انتخاب منابع فعالیت ها و شیوه های یادگیری را متناسب با نیاز هر فرد فراهم می سازد. چنین الگویی ضمن حفظ کیفیت آموزشی زمینه شکوفایی

استعدادهای متنوع را فراهم می کند و فرصت موفقیت را برای طیف گسترده تری از فراگیران افزایش می دهد.

مفهوم، فلسفه و تکامل آموزش شخصی سازی شده :

آموزش شخصی سازی شده حاصل دگرگونی عمیق در نگرش به ماهیت یادگیری و جایگاه دانش آموز در نظام تعلیم و تربیت است. این رویکرد بر این باور استوار است که یادگیری زمانی به بیشترین اثربخشی دست می یابد که فرایند آموزش با ویژگی های واقعی هر فرد هماهنگ شود و میان توانایی ها نیازها علاقه ها تجربه های پیشین و هدف های آموزشی رابطه ای سنجیده برقرار گردد. در چنین برداشتی دانش آموز دیگر عضوی از یک گروه همگن تلقی نمی شود بلکه فردی با ظرفیت های منحصر به فرد است که مسیر رشد علمی او باید بر پایه شناخت دقیق قابلیت های شناختی و شرایط فردی طراحی شود. از این منظر مفهوم شخصی سازی تنها تغییر در روش تدریس نیست بلکه بازتعریف کامل رابطه میان آموزش یادگیری و رشد انسان به شمار می رود. این تحول نگاه سنتی به آموزش را که بر انتقال یکسان محتوا برای همه استوار بود به سوی الگویی سوق داده است که ارزش اصلی آن در ایجاد فرصت برابر برای دستیابی به یادگیری عمیق نهفته است. فلسفه این رویکرد بر اصل کرامت انسان و پذیرش تفاوت های طبیعی میان یادگیرندگان استوار شده است. هر انسان از مسیر ویژه ای برای فهم پدیده ها برخوردار است و تجربه های زیسته او شیوه اندیشیدن و یادگیری را شکل می دهد. هنگامی که نظام آموزشی این واقعیت را نادیده بگیرد بخشی از ظرفیت های ذهنی دانش آموزان هرگز مجال ظهور پیدا نخواهد کرد. در مقابل زمانی که طراحی آموزش بر پایه شناخت تفاوت های فردی انجام گیرد فرصت شکوفایی استعدادها در گستره ای وسیع فراهم می شود و یادگیری به فعالیتی معنادار تبدیل خواهد شد. چنین نگرشی ارزش دانش را تنها در حفظ اطلاعات جست و

جو نمی‌کند بلکه آن را ابزاری برای رشد قدرت تحلیل داوری خلاقیت مسئولیت پذیری و حل مسائل زندگی می‌داند. از همین رو فلسفه آموزش شخصی سازی شده پیوندی عمیق با عدالت آموزشی دارد زیرا عدالت را در فراهم ساختن فرصت های متناسب با شرایط هر فرد معنا می‌کند نه در ارائه تجربه های یکسان برای همه.

ریشه های این اندیشه را می‌توان در جریان های فکری یافت که انسان را موجودی فعال در ساخت دانش معرفی کردند. در این دیدگاه یادگیری نتیجه تعامل میان تجربه اندیشه و محیط است و دانش از راه مشارکت ذهنی شکل می‌گیرد نه از مسیر دریافت منفعل اطلاعات. به تدریج پژوهش های تربیتی نشان داد که سرعت یادگیری شیوه پردازش اطلاعات میزان انگیزه و توانایی حل مسئله در میان دانش آموزان تفاوت چشمگیر دارد و الگوهای یکنواخت آموزشی نمی‌توانند پاسخگوی این تنوع باشند. این یافته ها سبب شد مفهوم آموزش از قالب انتقال محتوا فاصله بگیرد و به طراحی تجربه های یادگیری نزدیک شود. در نتیجه نقش معلم از انتقال دهنده دانش به هدایت کننده رشد علمی تغییر یافت و نقش دانش آموز از دریافت کننده مطالب به مشارکت کننده در تولید معنا ارتقا پیدا کرد. این تحول زمینه شکل گیری چارچوب های نوین طراحی آموزشی را فراهم ساخت که در آن کیفیت یادگیری بر پایه میزان درگیری ذهنی و رشد فردی سنجیده می‌شود.

تکامل آموزش شخصی سازی شده نتیجه انباشت تجربه های علمی و عملی در حوزه تعلیم و تربیت است. در آغاز توجه اصلی بر تفاوت های آشکار میان دانش آموزان متمرکز بود و تلاش می‌شد با تقسیم بندی فراگیران بر اساس توانایی های تحصیلی بخشی از نیازهای آنان پاسخ داده شود. این شیوه اگرچه نسبت به الگوهای کاملاً یکسان گامی رو به جلو محسوب می‌شد اما هنوز فاصله زیادی با مفهوم واقعی شخصی سازی داشت. با گسترش پژوهش های شناختی روشن شد که یادگیری پدیده ای چند بعدی است و عوامل فراوانی

بر کیفیت آن اثر می گذارند. بر همین اساس طراحی آموزشی از دسته بندی های ساده عبور کرد و به سوی تحلیل دقیق ویژگی های فردی حرکت نمود. در این مرحله مفهوم انعطاف در برنامه آموزشی جایگاه ویژه ای پیدا کرد و امکان انتخاب مسیرهای متفاوت برای دستیابی به هدف های مشترک مورد توجه قرار گرفت. نتیجه این تحول شکل گیری نگرشی بود که یادگیری را فرایندی پویا و متناسب با شرایط هر دانش آموز می داند نه مجموعه ای از فعالیت های ثابت و تغییر ناپذیر.

یکی از نقاط عطف در تکامل آموزش شخصی سازی شده تغییر معیار موفقیت آموزشی بود. در الگوهای متعارف میزان موفقیت بر پایه مقایسه عملکرد دانش آموزان با یکدیگر تعیین می شد و دستیابی به میانگین های از پیش تعیین شده هدف اصلی به شمار می رفت. با گسترش مطالعات تربیتی روشن شد که چنین رویکردی نمی تواند تصویر دقیقی از رشد واقعی هر فرد ارائه دهد. از این رو معیار ارزیابی به سمت سنجش میزان پیشرفت هر دانش آموز نسبت به وضعیت آغازین او تغییر یافت. این دگرگونی سبب شد مفهوم رشد فردی جایگزین رقابت صرف شود و ارزش آموزش در ایجاد تحول پایدار در توانایی های شناختی و مهارت های عملی تعریف گردد. در نتیجه برنامه های آموزشی به جای تمرکز بر یک نتیجه مشترک برای همه فراگیران بر فراهم ساختن فرصت رشد متناسب با ظرفیت های هر فرد استوار شدند.

در بستر این تحول مفهوم یادگیری از یک فعالیت محدود به کلاس درس فراتر رفت و به تجربه ای پیوسته در تمامی موقعیت های زندگی تبدیل شد. آموزش شخصی سازی شده بر این باور است که یادگیری در هر زمان و هر محیطی می تواند ادامه پیدا کند و محیط آموزشی تنها یکی از بسترهای شکل گیری دانش محسوب می شود. این نگرش سبب شد منابع یادگیری تنوع بیشتری پیدا کنند و تجربه های واقعی زندگی جایگاهی مهم در

طراحی آموزشی بیابند. ارتباط میان دانش نظری و موقعیت‌های واقعی به دانش آموز امکان می‌دهد تا مفاهیم را در شرایط گوناگون به کار گیرد و از سطح دانستن به مرحله فهم و کاربرد برسد. چنین فرایندی زمینه انتقال آموخته‌ها به موقعیت‌های تازه را فراهم می‌کند و پایداری یادگیری را افزایش می‌دهد. فلسفه آموزش شخصی‌سازی شده بر مسئولیت‌پذیری یادگیرنده نیز تاکید دارد. در این رویکرد دانش آموز تنها مخاطب آموزش نیست بلکه در برنامه ریزی پیگیری و ارزیابی مسیر یادگیری نقش فعال ایفا می‌کند. مشارکت در تعیین هدف‌های فردی انتخاب شیوه انجام فعالیت‌های آموزشی بررسی نقاط قوت و شناسایی زمینه‌های نیازمند بهبود موجب می‌شود احساس مالکیت نسبت به فرایند یادگیری شکل گیرد. زمانی که دانش آموز نتیجه تلاش خود را در مسیر پیشرفت مشاهده می‌کند انگیزه درونی تقویت می‌شود و وابستگی به عوامل بیرونی کاهش می‌یابد. این وضعیت زمینه پرورش افرادی را فراهم می‌سازد که توانایی مدیریت یادگیری خویش را در موقعیت‌های گوناگون زندگی حفظ می‌کنند و برای دستیابی به دانش تازه نیازمند هدایت مداوم دیگران نخواهند بود.

در این چارچوب نقش معلم نیز دستخوش تحولی بنیادین شده است. معلم دیگر تنها انتقال‌دهنده محتوا یا ارزیاب عملکرد دانش آموز نیست بلکه طراح محیط یادگیری تحلیلگر نیازهای آموزشی و هدایت‌کننده رشد فردی به شمار می‌رود. او با مشاهده دقیق عملکرد دانش آموزان اطلاعات ارزشمندی درباره شیوه اندیشیدن نقاط قوت دشواری‌های یادگیری و میزان آمادگی هر فرد به دست می‌آورد و بر پایه این شناخت تصمیم‌های آموزشی را سامان می‌دهد. کیفیت این تصمیم‌ها به میزان شناخت معلم از ویژگی‌های یادگیرندگان وابسته است و هر اندازه این شناخت عمیق‌تر باشد امکان طراحی تجربه‌های یادگیری اثربخش افزایش خواهد یافت. در چنین شرایطی ارتباط میان معلم و دانش آموز از رابطه یک سویه به تعامل علمی مستمر تبدیل می‌شود و فضای کلاس به محیطی برای